

Research Article

Investigating the effective temporal and spatial elements with religious propositions in the principles of Imamiyyah jurisprudence and its challenges

Ali Safari^۱, Hassan Heidari^۲, Hormoz Asadi Koohbad^۳

Received: ۲۰۲۲/۰۲/۰۵

Accepted: ۲۰۲۲/۰۹/۰۵

Abstract

The purpose of the present study is to examine the time and place elements that are effective with religious propositions in the principles of Imami jurisprudence and its challenges. Islam is a universal and eternal religion, and its cause is considered to be the perfection of divine laws, which is in fact one of the miracles of Islam. In response to constant needs, changing needs will emerge, which must be protected from these changes in order to maintain and develop it properly. This is because the dynamism of traditional jurisprudence is not a part of it, but traditional jurisprudence itself is dynamic. Ijtihad, which has rightly been called the dynamism of Islamic law, means a scholarly and methodical effort to extract God's rulings with regard to the four sources of the Book, the Sunnah, reason, and consensus. In this article, we have tried as much as possible to present the way in which time and place affect religious laws by determining criteria and examples so that it can be considered.

Keywords: *Criminal and civil liability, judge, Iranian law, Egyptian law.*

^۱ - PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (corresponding author) dr.hassanheidari۳۹۵۷@gmail.com

^۳ - Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

مقاله پژوهشی

بررسی عناصر زمانی و مکانی مؤثر با گزاره های دینی در اصول فقه امامیه و چالش های آن
علی صفری^۱، حسن حیدری^۲، هرمز اسدی کوه باد^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عناصر زمانی و مکانی مؤثر با گزاره های دینی در اصول فقه امامیه و چالش های آن است. اسلام دینی جهانی و جاودانی است و علت آن کمال احکام الهی محسوب می شود که در حقیقت به مثابه یکی از معجزات اسلام است در قبال نیازهای ثابت نیازهای متغیر پدیدار خواهد شد که باید از این تغییرات نیز در جهت حفظ و نزاهت و بالندگی صحیح آن صیانت شود. از این جهت است که پویایی قسیم فقه سنتی نیست، بلکه فقه سنتی به خودی خود پویاست. اجتهاد که آن را به حق دینامیسم حقوق اسلامی نامیده اند به معنای کوشش عالمانه و روشمندی برای استخراج حکم خدا با توجه به منابع چهارگانه کتاب، سنت عقل و اجماع است. در این مقاله در حد وسع کوشیده ایم که نحوه تأثیر زمان و مکان بر احکام شرعی را با تعیین ملاکها و مصادیق ارائه کنیم تا چه در نظر آید.

واژگان کلیدی: اجتهاد، احکام، زمان، مصادیق مکان، گزاره های دینی

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۲ - استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسؤل)

dr.hassanheidari3957@gmail.com

^۳ - دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

مفسر دین باید در مرحله نخست به تمام اصول و کلیات دین که در همه زمانها و مکان ها به عنوان اصول ثابت و تغییر ناپذیر معتبرند احاطه کافی بلکه کامل داشته باشد و در مرحله دوم باید علل و حکم و مصالحی را که اصول و

کلیات یادشده بر اساس آنها استوارند، خوب بشناسد و در مرحله سوم باید زمان و مکان و مقتضیات آن دو را عمیقاً

درک و بر اساس این درک، حکم موارد جزئی را با ارجاع آنها به اصول کلی تعیین کند. بدیهی است که اوصاف یاد

شده را اولاً و بالذات در فرد معصوم میتوان یافت که یا خود بدون واسطه با وحی و مصدر وحی در ارتباط است پیامبر

(ص) یا با واسطه و ثانیاً و بالعرض در فردی که تالی تلو معصوم است و با تعالیم و دادههای او کاملاً آشناست (مجتهد

جامع شرایط). همان گونه که پیامبر یا جانشین پیامبر(ع) علاوه بر آنکه با اصول و کلیات دین و ملاکات و علل و

حکم احکام الهی آشناست زمان و مکان خود را میشناسد و بر مقتضیات و اوضاع حاکم بر آن دو کاملاً مطلع است و در

چارچوب کلیات ثابت، دین با توجه به زمان و مکان مقرر و قانونهای متناسب وضع می کند؛ مجتهد و فقیهی که

میخواهد رهبری دینی و سیاسی جامعه مسلمان را بر عهده بگیرد، علاوه بر آنکه باید به اندازه ای که در وسع و قدرت

اوست، با اصول و کلیات ثابت دین و ملاکات احکام آشنا باشد، باید زمان و مکان را بشناسد و بر مقتضیات و وضع آن

دو کاملاً مطلع باشد، وگرنه نخواهد توانست جامعه را آن طور که باید و آن طور که مرضی خداوند حکیم است اداره

کند. به عبارت دیگر مجتهدی لیاقت رهبری جامعه مسلمان را دارد که علاوه شرایط متعارف اجتهاد از این چند امتیاز

مهم نیز برخوردار باشد. با اصول و کلیات ثابت دین آشنا باشد؛ ۲. حکم و علل و ملاکات احکام الهی را حتی الامکان

بداند؛ ۳ بر اوضاع حاکم بر زمان و مکان صدور روایات و نزول آیات مطلع باشد. ۴. اوضاع حاکم بر زمان و مکان خویش

را دریابد و مقتضیات آن دو را بشناسد؛ ۵ احکامی را که جزو اصول و کلیات ثابت دین است، از احکامی که جزو فروع و

جزئیات متغیر دین است، بازشناسد و این دو را با هم خلط نکند؛ یعنی، مثلاً اگر در روایتی از امام، معصومی بر حسب

اوضاع حاکم، حکمی صادر شده باشد، آن حکم را با توجه به همان اوضاع تلقی کند؛ نه آنکه آن را بدون توجه به اوضاع

حاکم بر زمان و مکان امام معصوم (ع) به عنوان حکمی ثابت و دایمی و به صورت اصلی کلی فرض کند و سپس آن

را در همه مکانها و زمانها که اوضاعشان با اوضاع زمان و مکان امام (ع) متفاوت است ساری و جاری بداند و در نتیجه

فتوایی صادر کند که متناسب با زمان و اجرا شدنی نباشد.

حضرت امام خمینی (ره) می فرماید: «اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و غفلت از آن را جایز

نمیدانم اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدین معنا نیست که فقه اسلامی پویا نیست. زمان و مکان دو

عنصر تعیین کننده در اجتهادند.

مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است حکم جدیدی پیدا می کند. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ۹۵). نظریه «تأثیر زمان و مکان در اجتهاد طرح شده از سوی امام خمینی (ره) مدخلی برای تأمل و تحقیق و راه حلی برای فعال سازی و بارور کردن بیشتر فقه است. نقش این دو عنصر در حیات فقهی بر هیچ فقه شناسی پوشیده نیست اما به جهت عدم انجام تحقیقات و پژوهش های عالمانه در این باب، این مبحث زوایای مبهم و ناگشوده و افری دارد و گاه به افراط و تفریط در برداشت ها و استنباط می گراید. ما در این مقاله به دنبال اعتلای این اثر و تبیین نظریه خواهیم بود.

تأثیر مقتضیات هر عصر بر مدیریت جامعه و اجتهاد و فقاقت انکارناپذیر است. در روایات گوشه هایی از این واقعیت نمایان شده اند و سخنان برخی از فقیهان شیعه و سنی نیز بر آن گواهی می دهد. اما مراعات مرزهای این پدیده که انحصار حق قانونگذاری برای خداوند و حفظ جاودانگی شریعت است لازم خواهد بود از این رو سزاوار است که به درستی مصادیق آن در تطبیق موضوعات بر موارد آنها و تغییر حکم به سبب تغییر ممالک و کشف مصادیق های جدید برای موضوع و دگرگونی شیوه های اجرای حکم و پیدایش موضوعات نوین و نمود آن در تفسیر قرآن و سنت کاوش شود.

ابان نقل می کند که فردی از امام رضا(ع) پرسید: اگر در شهری طاعون آمد، آیا جایز است از شهر خارج شویم؟ فرمود: آری.

اگر طاعون در شهرکی آمد چطور؟

- خروج جایز است.

اگر در خانه ای طاعون آمد، خروج جایز است؟

- آری.

از رسول خدا به ما روایت شده که فرمودند فرار از طاعون مانند فرار از مقابل دشمن است. حضرت فرمود: بله، پیامبر این فرمان را در مورد گروهی فرمودند که مرز نشین هستند و در برابر دشمن قرار دارند طاعون به آنجا می آید و آنان سرزمین هایشان را خالی می کنند و می گریزند، رسول خدا این مطلب را در مورد ایشان فرمود. درباره این حدیث پیامبر (ص) از امام صادق (ع) نیز می پرسند و آن حضرت هم دقیقاً همین پاسخ را میدهند، (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۲۱).

مطابق این حدیث حکمی، در موقعیت زمانی خاصی یعنی در اوضاع خاص سیاسی یا نظامی واجب است و وقتی آن اوضاع از بین میرود خلاف آن حکم صادر می شود. ترک شهر طاعون زده در موقعیت خاص حرام و در موقعیت دیگر جایز بلکه واجب شمرده می شود. پس برای فهم صحیح، سنت مطالعه جهت صدور و درک زمان صدور آن لازم است. ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم که مفهوم روشنی از دخالت زمان و مکان در استنباط ارائه دهیم تا به این طریق از خلط منظور با مفاهیم مشابه جلوگیری کنیم و سعی خواهیم داشت نحوه تأثیر این دو عنصر در اجتهاد را در حد توان بیان کنیم. و عنصر در اجتهاد را در حد توان بیان کنیم.

۲- مفهوم زمان و مکان

منظور از زمان و مکان بحث فلسفی، بحث جغرافیا یا بحث فی بحث جغرافیا یا بحث فیزیکی آن نیست، بلکه دو ظرفی هستند که نشان دهنده اوضاع اقتصادی، سیاسی و پیشرفت های علم و صنعت و سنن حاکم بر جامعه در هر دوره است که شناخت درست موضوع آنها، در صدور فتاوی کارساز و مشکل گشا راه جامعه را در پرتو توحید و سنت مترقی اجتهاد، به سوی ترقی و تعالی سوق دهد. به قول صاحب مجمع الفوائد حکم کلی واحد در احکام بدون لحاظ خصوصیات ممکن نیست، بلکه احکام به اعتبار خصوصیات، احوال زمان ها و مکان ها مختلف می شود و با استخراج این اختلاف ها و انطباق با جزییاتی که از شرع شریف دریافت شده، ما به الامتیاز اهل علم و فقها از دیگران است (اردبیلی، ۱۴۰۴: ۴۳۶).

۲-۲- نحوه تأثیر زمان و مکان

حال که مفهوم زمان و مکان را شناختیم، زمان آن است که به نحوه تأثیر زمان و مکان اشاره کنیم:

۲.۱. تأثیر زمان و مکان در سیره معصومین (ع)

پیشوای معصوم از خطا و نسیان در نظر و عمل منزّه است. در عین حال بین معصومان گاهی در نظر و عمل در طول زمان و نسبت به امکانه مختلف تفاوت هایی مشاهده می شود. این تفاوت ناشی از نیازهای زمان و مکان است و نه چیز دیگر.

۱،۱. ۲. تأثیر در سیره نظری معصومان (ع)

در برخورد با روایات، این امر به دست می آید که در زمان یکی از معصومان از انجام دادن کاری نهی شده و سپس در زمان دیگر از معصومان به آن امر شده است. گاهی زمان و مکان (شرایط اجتماعی، سیاسی اقتصادی حاکم بر جهان یا کشور خاص) موجب می شود که حاکم اسلامی، پیامبر یا امام معصوم یا ولی فقیه حکمی را صادر کند. لذا بعضی روایات متعارض به چشم می خورند که در موضوع، واحد دو حکم متعارض دارد. حال اگر به زمان و مکان صدور روایات مراجعه شود، می توان تعارض را برطرف کرد. این اختلاف در تعبیر می توان تعارضی را برپدید و گفتار از شرایط خاص زمانی و مکانی نشأت می گیرد و مقتضای زمان و مکان هر امام با امام دیگر تفاوت دارد به عنوان نمونه یکی در شرایط تقیه بوده و دیگری در آن شرایط نبوده است. امام صادق (ع) می فرمایند: «لان حکم الله عزوجل فی الاولین و الاخرین و فرائضه علیهم سواء الا من علة او حادث یكون والاولون و الاخرون ایضاً فی منع الحوادث شرکاء و الفرائض علیهم واحده یسأل الآخرون عن اداء الفرائض عما یسأل عنه الاولون و یحاسبون عما به یحاسبون ... کلینی، ۱۴۱۴، ج ۵ (۱۸) حکم الهی در حق اولین و آخرین یکسان است، مگر اینکه دلیلی به وجود آید که سبب تغییر حکم شود و تمامی انسان ها نسبت به تغییر حکم، هنگام پیش آمدن حوادث همانندند و واجبات بر همه یکسان است. از همانها که از سابقین سؤال می شوند آیندگان نیز سؤال می شوند و مورد محاسبه قرار می گیرند در خصوص این قسمت می توان به مسئله خمس اشاره داشت.

روایات

روایات رسیده در این باب دو قسم هستند: در قسمی به مطالبه خمس تأکید شده است. روایت محمد بن زید طبری از امام رضا که فرمودند: خمس کمکی برای دین و عیال و موالیان ماست و ما آن را نمی بخشیم زیرا با آن آبروی خویش را در برابر سیطره دشمنان حفظ می کنیم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶ (۳۷۵) در قسم دیگری نیز به عدم پرداخت خمس اشاره شده است: امام باقر از امیرالمؤمنین نقل میکند که شیعیان ما از پرداخت خمس معافند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶ (۳۷۹)؛

۱،۲. ۲. تأثیر زمان و مکان در سیره عملی معصومان (ع)

در نگاهی گذرا به مجموعه ای از روایات دست یافتیم که نقش شرایط زمانی و مکانی را در حکم به نمایش می گذاشت با نگاه به این روایات تأثیر زمان و مکان در احکام و دگرگونی آن دیدگاه اهل بیت (ع) به وضوح ثابت می شود. در اینجا برای حفظ اختصار به یک نمونه اشاره می کنیم: گوشت قربانی و بردن آن پس از ایام منی:

در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (ع) این چنین آمده است: قال، قال رسول الله (ص): نهی عن تحبس لحوم الاضاحی فوق ثلاثه ایام؛ یعنی رسول خدا (ص) از نگهداری و برداشت گوشت قربانی پس از سه روز اقامت در آنجا نهی فرموده است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۳۴۱).

باز در صحیح جمیل بن دراج این گونه نقل شده است: «قال سالت ابا عبدالله — علیه السلام — عن حبس لحوم الاضاحی فوق ثلاث ایام بمنی؟ قال: لا بأس بذلک الیوم، ان رسول الله — صلی الله علیه و آله — أنما نهی عن ذلک اولاً، لان الناس كانوا یومئذ مجهودین، فاما الیوم فلا بأس، جمیل بن دراج میگوید از امام صادق درباره حبس و نگهداری گوشت قربانی پس از سه روز در منی پرسیدم. حضرت فرمود: امروزه اشکالی ندارد. رسول خدا در آغاز از آن نهی کرد؛

زیرا در آن روز مردم تنگدست و فقیر بودند و می آمدند از آن استفاده می کردند ولی اکنون این چنین نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۳۴۹)؛

۲.۲. تأثیر زمان و مکان بر مصادیق

تشخیص مصداق موضوعات توسط عرف انجام می گیرد و مجتهد با توجه به اینکه یکی از افراد عرف است می تواند در این زمینه نظر دهد، ولی نظر او با نظر بقیه مردم ارزش مساوی دارد. تشخیص پاره ای از مفاهیم و مصادیقی که شارع یا سایر قانونگذاران موقوف به نظر عرف کرده باشند؛ مانند الفاظ اناء، «صعید»، «ماء»، «سفر» و «وطن» یا مصادیق مفهوم، مثل مصداق «فقیر» که طبعاً بر حسب نیازهای مختلف برخاسته از شرایط زمان و مکان، مقدار نیازهای او فرق خواهد کرد یا مصادیق عنوان فی سبیل الله در آیه زکات که طبعاً با تحول زمان ورشد برنامه های فرهنگی و اجتماعی به نظر عرف، مصادیقی والا و بهتر از مصادیق از منہ قدیم دارد، کاربرد عرف عام در این گونه موارد نیز مورد قبول و پذیرش فقهای عظام شیعه و سنی است (اشرفی شاهرودی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۰۵).

۲.۳. تأثیر زمان و مکان در موضوعات و مصادیق احکام

بی تردید تحول زمان و شرایط آن نه تنها در تحول احکام شریعت که در تحول ویژگی های درونی و بیرونی موضوعات احکام و ملاکات آنها در غیر مسائل عبادی نیز نقش دارد؛ زیرا این تحول سبب می شود که موضوع تحول یافته از نظر، ویژگی از حیثه اصلی از اصول شرعی خارج و در حیثه اصلی دیگر از اصول شرعی داخل و در نتیجه حکم دیگری بر اساس اصل دوم بر آن مترتب شود.

شیوه های تأثیر یا نواحی تأثیر زمان و مکان در موضوعات عبارتند از:

۱. ۲.۳. تغییر موضوع با تغییر درونی آن

گاهی زمان و مکان موجب می شود که موضوع از درون تغییر کند و استحاله شود. مانند آنچه در احکام مطهرات ذیل عنوان، استحاله انتقال و انقلاب ذکر می شود. منظور از استحاله، انقلاب موضوع پیشین و تبدیل آن عرفاً به موضوع دیگر است و دلیل بر مطهریت استحاله این خواهد بود که با استحاله موضوع جدیدی غیر از آن موضوعی به وجود می آید که به نجاستش حکم شده بود (خوبی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۶۸) موضوع به موضوع جدیدی تبدیل می شود که عنوان و ظاهر آن نیز تغییر میکند و حکم جدیدی را به دنبال دارد، مثلاً اگر یک سگ در نمکزار بماند و تمام اعضای او به نمک تبدیل شود حکم نجاست شامل حال او نمی شود و پاک میشود.

شیخ انصاری می فرماید: کیف کان فالذی ینبغی ان یراد هنا من الإستحاله الإستحاله الموضوع وتبدلها الی مغایره عرفاً، سواً کان تبدلها بتبدل ذاتیاتها او بعض خصوصیاتها العرضیه. فلو فرضنا ان النجاسة حمل فی کلام الشارع علی الماء المتلبس بالتغیر او المتصف بکونه فی الکوز وزالت الصفه، زالت النجاسة لان المحمول تابع للموضوع فیزواله یزول و ثبوتہ فی موضوع آخر یحتاج الی دلیل و التمسک بالاستصحاب غیر معقول لان بقاء الحکم فی غیر موضوعه غیر (معقول انصاری، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳۰۶).

به هر حال مراد از استحاله در اینجا استحاله موضوع پیشین و تبدیل آن عرفاً به موضوع دیگر است؛ چه تبدل موضوع به تبدل ذاتیاتش باشد و چه تبدل در بعضی از خصوصیات عرضیش باشد. اگر فرض کنیم که نجاست در کلام شارع بر آبی که متغیر یا متصف به بودنش در کوزه است بار شده و این صفات زائل شوند، نجاست نیز زائل می شود؛ زیرا

محمول تابع موضوع است و با زوال موضوع زائل میشود و ثبوت آن محمول در موضوع دیگر محتاج به دلیل است و تمسک به استصحاب بقای حکم معقول نیست، زیرا بقای حکم در غیر موضوعش معقول نیست و هر انسانی و مطالعات فرسومی مثال دیگر در این زمینه تغییر حکم حلیت به حرمت به واسطه جوشیدن شیره انگور و تبدل آن به خمر است.

۲.۳.۲. تبدل موضوع با تغییر بیرونی آن

مانند آنجایی که روابط اجتماعی یا اقتصادی نسبت به موضوعی تغییر کرده باشد، به گونه ای که روابط اقتصادی و اجتماعی پیشین نسبت به موضوع حاکم نباشد. در همه جا حکم — محور موضوع دور میزند اگر موضوع با تمام خصوصیات و ویژگی هایش ثابت ماند حکم آنها نیز تحول و تغییر نخواهد کرد، ولی با دگرگون شدن اصل موضوع با خصوصیات و ویژگیهای آن احکام آن نیز تغییر می یابد پس در تغییرات بیرونی موضوع با اینکه هیچ تغییری از نظر ظاهر در آن حاصل نشده است، حکم شرعی آن تغییر می کند؛ چرا که موضوع گرچه از نظر ظاهر تغییر نکرده، برخی از خصوصیات و ویژگی های بیرونی آن تغییر کرده است که این، تغییر تغییر حکم را نیز به دنبال دارد.

روایات فراوانی دلالت دارند بر اینکه استفاده از انفال برای مردم حلال است، از جمله انفال، جنگلها و زمینهای بایر هستند. در زمانهای گذشته استفاده مردم از انفال، مشکلی در جامعه ایجاد نمی کرد و این به سبب ابتدایی بودن ابزارهایی بود که برای استفاده محدود از انفال به کار گرفته میشد. از این رو محدود کردن استفاده مردم از انفال ضرورتی نداشت.

اما امروزه که شیوه های استفاده از انفال تغییر کرده و پیشرفته شده و طمع انسان به آن افزایش یافته است ضرورت ایجاد میکند که برای حفظ محیط زیست، با وضع قانونهایی جلوی بهره برداریهای آزمندانه گرفته شود.

۳.۳.۲. مصادیق جدید برای موضوع

زمان و مکان در سرایت حکم به موضوعی که در عصر تشریح وجود نداشته، مؤثر است و این تسری به سبب ملاکی خواهد بود که در موضوع جدید وجود دارد احکام شرعیه به صورت قضایای حقیقیه بیان شده اند و شامل مصادیق موجود در زمان خطاب و مصادیق مفروض می شوند. یکی از تأثیرات زمان و مکان ایجاد دگرگونی در مصادیق موضوعات احکام است و با پیدایش تحول در مصادیق حکم آن نیز تغییر می یابد. امام خمینی در خصوص حرمت بیع سلاح به دشمنان دین مینویسند پیش از نگاه به اخبار تقدیم امری شایسته است و آن اینکه موضوع بحث مطلق چیزی که عنوان سلاح بر آن منطبق باشد نیست، بلکه موضوع آن چیزی است که فعلاً اسلحه جنگی است و مصادیق آن بر حسب زمانها مختلف می گردد. چه بسا وسیله ای در زمان و مکانی اسلحه جنگی است که در زمان و مکان دیگر نیست. در زمانهای قدیم سنگهای خاص فلاخن و چوب وسیله جنگ بود سپس دوره آنها منقرض شد و آنها از صلاحیت وسیله جنگ بودن خارج شدند و اسلحه های دیگری جای آنها را گرفت، مانند شمشیر، نیزه، عمود، تیر سپر زره و مانند آنها. سپس دوره اینها نیز منقرض گردید و اسلحه های دیگری جای اینها را گرفت تا نوبت رسید به اسلحه های این زمان پس مراد از سلاح در موضوع بحث سلاح روز است یعنی آنکه در جنگها به کار می روند، نه آنکه دوره اش منقرض شده و کاربرد ندارد (خمینی ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۲)

گاهی پدیده زمان و مکان سبب تضييق موضوع حکم میشود و به دنبال تغيير موضوع حکم نیز عوض می شود:

حکم معادن و فضای بالای زمین در عصر کنونی بی تردید در زمان های دور هرگز فقهی در ملکیت اعماق زمین احیاشده قائل به تفصیل نبود. استفاده از فضای بالای زمین نیز هرگز مطرح نبوده و آن دوران اطلاق من احیی ارضا میتاً فهی له مورد تأیید فقیهان قرار میگرفته است اما توجه به اکتشافاتی که در عصر صدور احادیث نبوده میتواند اطلاق فوق را با تردید مواجه کند و این نکته از تأثیرات زمان و مکان است.

شارع مقدس در زمینه امور معاملی به امضای سیره عقلایی به جز موارد خاص بسنده کرده و ارتکاز عرفی ملکیت زمین آن است که در حد احتیاجات عرفی که همه از زمین برداشت می کنند باید از آن به عنوان ملک بهره برد و مانع استفاده دیگران شد. امروزه اگر به عرف خاص مراجعه شود و بگوییم مسیر مترو از فاصله شصت متری از زیر زمین عبور کرده است و ساختن و عبور از آن نیز هیچ تأثیری در زمین و استفاده شما ندارد، خود را نسبت به آن ذی حق نمیبینند و سازندگان مترو را موظف به گرفتن اذن نمیدانند. مرحوم آیت الله خویی نیز همین اندیشه را دارد، خلاصه کلام ایشان این است: «اگرچه اسباب ملکیت زمین متعدد است، اما سبب اصلی که به موجب آن زمین از مباحات اصلی خارج و به ملکیت شخصی داخل میشود قصد حیازت و احیا است ولی این دلیل تنها به مقدار احیا و حیازت که از ظواهر زمین است، در بر می گیرد و معادن خصوصاً که جزو زمین به حساب نیاید را شامل نمی شود. لذا چنین معادنی در مباحات اصلی باقی مانده است. آری

فضای بالای زمین و طبقه زیرین خاک به واسطه سیره عقلاییه و شرعیه به ظاهر زمین ملحق میشود پس باطن زمین نه به دلیل لفظی من احیا ارضاً فهی له که به دلیل لبی سیره عقلایی تابع ملکیت ظاهر میگردد ولی این سیره اطلاق ندارد و قدر متیقن آن همان ملحقیات زمین در حد سرداب و چاه آب و . است. آنچه از این محدوده خارج است که گاهی به یک یا دو فرسخ می رسد از ملکیت شخص خارج است و خود زمین در این عمق ملک مالک ظاهر نیست تا چه رسد به معادن آن» (خویی ۱۳۶۴: ۶۰)

یکی دیگر از بزرگان میگوید ان الفضاء ایضاً بلحاظ الطرق الجویه فی اختیار الامام و یمكن عدھا من الأنفال منتظری (۱۴۲۹ ۳۴۹؛ فضا به لحاظ راه های جوی و استفاده از آن در اختیار امام قرار دارد و میتوان آن را از قلمرو انفال به شمار آورد. در این زمینه شورای نگهبان استفتایی از امام خمینی میکنند که به منظور بهره برداری عین آن نقل میشود متن نامه دبیر شورای نگهبان به این شرح است:

محضر شریف رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله العظمی امام خمینی

با تقدیم عرض سلام و مسئلت مزید برکات وجود مبارک ظل عنایات بقیه الله در مورد معادنی که به تبع ارض یا احیا مالک خاص دارد و برحسب تحریرالوسیله وسایر متون معتبر فقهی از انفال محسوب نمیشود قبلاً شورای نگهبان به طور عام اظهار نظر کرده است که معادن واقع در املاک شخصی و وقفی از انفال و ثروتهای عمومی محسوب نیست؛ ولی نظارت و کنترل دولت پر اکتشاف و بهره برداری از معادن، طبق مصلحت عامه جایز است. اکنون در مورد نفت طرحی در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است که موجب ماده دوم آن، معادن نفت اعم از اینکه در ملک شخصی و وقفی یا زمین های دیگر و دریاها باشد از انفال محسوب شده است چون در شمول تبعیب مذکور در مورد نفت

بالخصوص کسب نظر مبارک لازم شد، مستدعی است نظر شریف را اولاً در اصل موضوع و ثانیاً نسبت به جواز تصرف در زمین شخصی و وقفی جهت استخراج در صورت عدم تبعیت مرحمت فرمایید (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۸۷).

امام این طور نوشتند: پس از سلام و تحیت، اصل مسئله تبعیت اعماق زمین و نیز هـوا نسبت به املاک شخصی تا حدود احتیاجات عرفی است مثلاً اگر کسی در خارج از محدوده منزل و یا زمین شخصی و یا وقفی کانالی زده و از زیرزمین آنها عبور کند و یا تصرف نماید، دارندگان منزل یا متولیان نمیتوانند ادعایی بنمایند و اگر کسی بالاتر از مقدار متعارف، بنایی ایجاد یا رفت و آمد نماید، هیچ یک از مالکین یا متولیان حق جلوگیری از او را ندارند و بالأخره تبعیت زمین شخصی به مقدار عرفی است و آلات جدید هیچ گونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارد؛ ولی تبعیت کشور مقدار بسیار زیاد است و دولت حق دارد تا از تصرف پیش از حد عرفی شخص جلوگیری نماید. بنابراین نفت و گاز معادنی که خارج از محدوده عرفی املاک اشخاص است، تابع املاک نمیباشد موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۵۸۸؛

۵.۳.۲. تأثیر زمان و مکان در پیدایش موضوعات جدید

پیشرفتهای صنعتی و علمی موضوعاتی را که قبلاً نبود پدید آورده است؛ از این رو فقیه باید این موضوعات را هر چند به کمک خبرگان و متخصصان فن با دقت مطالعه کند. اینک به برخی از این موضوعات اشاره می کنیم

۱ مسئله بیمه با اینکه بیمه عقدی مستقل بین عقلاست برخی این موضوع را تحت یکی از عناوین معروف در فقه مثل صلح، ضمان و غیر اینها بررسی می کنند. در حالی که فقیه باید به بررسی این موضوع به همان گونه ای بپردازد که بین عقلا رایج است؛

۲. امروزه حقوق جدیدی پدید آمده که قبلاً چنین حقوقی میان عقلا مطرح نبوده است؛ مانند حق تألیف، حق پروانه اختراع، حق چاپ، حق نشر و دیگر آثار ابتکاری. امروزه از این حقوق به مالکیت معنوی تعبیر می شود و غربی ها به طور رسمی آن را پذیرفته اند و کسی را که این حقوق را رعایت نکند، متجاوز می شمارند؛

۳. در دنیای پزشکی موضوعات جدید فراوانی وجود دارد به عنوان نمونه می توان از لقاح مصنوعی، پیوند اعضا و خرید و فروش آن تشریح شبیه سازی انسان، تغییر جنسیت و مسائلی از این قبیل نام برد.

۲.۴. تأثیر زمان و مکان بر متعلقات احکام

متعلق حکم از دو جهت قابل تغییر است گاهی مصادیق متعلق حکم تغییر می کند و در نتیجه حکم آن تغییر خواهد کرد مثلاً شارع دستور میدهد به پدر و مادر احترام کنید». احترام متعلق حکم است لکن مصداق آن در زمانها و مکانهای مختلف، تفاوت دارد. در صدر اسلام احترام به نحو خاصی بود و امروز طور دیگری است. اگر در یکجا احترام به بلند شدن در مقابل پدر و مادر باشد و در جای دیگری به برداشتن کلاه باشد، در هر کدام از این دو جا همان فعلی که مصداق احترام بوده لازم است (رضایی، ۱۳۷۵: ۱۰۵) گاهی خود متعلق حکم تغییر میکند و لذا حکمی که با توجه به یک متعلق خاص (که در زمانی در بین مردم رایج بوده است) صادر شده بود، تغییر می کند. مثلاً شارع فرمود: بازی با شطرنج حرام است.

در آن زمان متعلق حکم بازی همراه با برد و باخت بوده و اکنون متعلق حکم بازی فکری است و لذا حرام نیست. در پاسخ به این سؤال اگر، شطرنج آلات قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده شود، بازی با آن چه صورتی دارد؟ امام خمینی (س) فرمودند بر فرض مذکور اگر برد و

باختی در بین نباشد، اشکال ندارد موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۱۲۹). ۲۵ تأثیر زمان و مکان در احکام مقصود از تأثیر زمان و مکان در احکام، تأثیر در کیفیت و روش اجرای احکام» و «ترجیح یک حکم بر حکم دیگر آن در مقام تراحمه» است که به در روانی از است که به شرح آن پرداخته می شود:

۱. ۵. ۲. ترجیح برخی از احکام بر احکام دیگران

شاید در زمان یا مکانی حکمی وجود داشته باشد ولی با گذشت آن زمان یا تغییر آن مکان عنوانی بر آن عارض شود که سبب تغییر حکم شود در تحریم تنباکو» آنچه به نظر میرسد آن است که در شرایط عادی استفاده از تنباکو مجاز، بود ولی هنگامی که انحصار آن به شرکت انگلیسی میرسد و مقدمه ای برای سلطه اقتصادی بر کشورمان می شود، حکم جواز تحت الشعاع وجوب حفظ استقلال اقتصادی کشور اسلامی قرار می گیرد و حکم به حرمت آن می شود. سپس نیز وقتی آن قرارداد لغو میشود میرزای شیرازی حکم جواز را صادر می کند. در واقع عناوین مهم که با تغییر زمان یا مکان به وجود می آیند، عناوین مهم را کنار میزنند و حکم را به خود اختصاص میدهد. همچنین در شرایط فعلی که آمریکا با تمام قدرت به حمایت از اسرائیل و ضربه زدن به کشورهای اسلامی برخاسته است، بسیاری از فقهای اسلامی به تحریم خرید و فروش مصنوعات آمریکایی حکم داده اند زیرا هدف مهم تری عنوان اولی جواز را تحت الشعاع قرار داده است و اگر روزی اوضاع برگردد، شاید این حکم نیز به تغییر شرایط تغییر کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۰۵)؛ ۲۵ تأثیر در کیفیت و روش اجرا گاهی زمان و مکان در روشهای اجرای احکام الهی نیز تأثیر می گذارند:

۱. وقتی فتوای فقیهان پیشین در خصوص مسائل مربوط به حج از قبیل طواف خانه خدا، سعی بین صفا و مروه رمی جمرات و ذبح در منی بررسی می کنیم، متوجه می شویم که عمل کردن به این فتاوا سبب ایجاد مشکلات برای مردم می شود. در فتوهای سابق محدوده طواف ۲۶ ذراع تعیین شده بود. این مقدار برای زمانی بود که تعداد حاجیان کم بودند، لکن امروزه تعداد طواف کنندگان به بیش از دو میلیون نفر می رسد. حال آیا با اختصاص این محدوده به طواف خانه خدا، میتوان گفت که بر زائران واجب است میان رکن و مقام طواف کنند؟ یا اینکه گفته شود که گروهی ابتدا طواف کنند و گروه دیگری پس از آنها و کسی طواف مستحبی انجام ندهد تا همگی از طواف واجب فارغ شوند یا انه انجام ندهد تا همگی از طواف اینک چنین فهمیده میشود که حاجیان در نزدیکترین مکان به خانه خدا طواف کنند. روایات زیر به دو صورت اخیر اشاره دارد (حر عاملی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۳۷۰).

محمد بن مسلم طی روایت مضمهره ای می گوید از امام (ع) درباره حد طواف یعنی حدی که اگر کسی از آن خارج شود طوافش درست نیست سؤال کردم امام در پاسخ فرمود: کان الناس علی عهد رسول الله (ص) یطوفون بالبیت و المقام وأنتم الیوم تطوفون ما بین المقام و بین البیت، فکان الحد موضوع المقام الیوم فمن جازه فلیس بطائف، والحد قبل الیوم والیوم واحد قدر ما بین المقام و بین البیت من نواحی البیت کلهما، فمن طاف فتباعه من نواحیه ابعده من مقدار ذلک کان طائفاً بغير البیت بمنزله من طاف بالمسجد؛ لأنه طاف فی غیر حد ولا طواف (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳: ۳۵۰)؛ مردم در زمان رسول خدا(ص) میان بیت و مقام طواف می کردند؛ شما هم امروزه بین بیت و مقام طواف می کنید. پس امروزه حد، طواف مقام است و کسی که از این حد تجاوز کند، و حیج نیست حد طواف در زمان ما و قبل از آن به اندازه فاصله میان مقام و اطراف بیت است. اگر کسی از این حد تجاوز کند و دورتر از این مقدار برود، بیت را طواف نکرده است و به منزله کسی است که مسجد را طواف کند؛ چون در محدوده تعیین شده طواف نکرده و از این رو طوافی برای او محسوب نمی شود.

محمد بن علی حلبی میگوید از امام صادق (ع) درباره طواف از پشت مقام ابراهیم سؤال کردم، حضرت در جواب فرمود: ما أحب ذلك و ما أرى به بأساً فلا تفعله إلا أن لا تجد منه بدأً (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۹۹؛ آن را دوست ندارم، گرچه اشکالی هم در آن نمی بینم. پس تا ناچار نشده ای این کار را انجام نده.

روایت اول حالتی را بیان میکند که حاجی میتواند بدون مشقت زیاد بین رکن و مقام طواف کند. و شاید این روایت از امام باقر (ع) نقل شده باشد که در آن زمان، جمعیت مردم زیاد نبوده است. اما روایت دوم زمانی را بیان میکند که جمعیت مردم به قدری زیاد بوده که حاجی نمی توانسته است آن حد را رعایت کند (سبحانی ۱۳۸۸: ۱۰۶)؛

۲. فقیهان معتقدند که غنایم جنگی پس از کنار گذاشتن خمس آن باید به صورت خاصی بین رزمندگان تقسیم شود غنایم جنگی در زمانهای گذشته که این حکم صادر شده است، شامل، شمشیر، نیزه کمان اسب و امثال اینها بود تقسیم این موارد بین رزمندگان در آن دوره کار آسانی بوده است.

اما ما امروزه بر اثر پیشرفتهای شگرف علمی، غنایم جنگی مانند توپ تانک و وسایل، زرهی هواپیماها و کشتیهای جنگی هستند. تقسیم این غنایم میان رزمندگان بسیار مشکل بلکه غیر ممکن است بنابراین فقیه باید برای اجرای

این حکم شیوه ای اتخاذ کند تا بین عمل به اصل حکم و دوری از عوارض ناشی از آن جمع شود (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

۲.۶. تأثیر در مفاسد و مصالح احکام

بدون شک احکام شرعی تابع، ملاکات مصالح و مفاسدند؛ البته شاید ملاک حکم، مجهول و مبهم باشد یا به واسطه تصریح شارع معلوم شود صورت اول خارج از بحث ماست؛ اما در صورت دوم، حکم تابع ملاک و معیاری بوده که شارع بیان کرده است. بنابراین چنانچه ملاک مشخص شده باقی، باشد حکم هم به قوت خود باقی می ماند؛ ولی اگر آن ملاک بر حسب تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییر کند، قطعاً حکم هم تغییر خواهد کرد، به عنوان نمونه:

۱. گاه در اثر مرور زمان تغییراتی در برخی از موضوعات به وجود می آید که آن موضوع را از علتی که به سبب آن محمول برای حکم قرار گرفته است خارج می کند و در علت سبب پیدایش حکم جدید داخل می کند. مثلاً در مسئله معامله خون چنین نیست که تغییری در ذات موضوع یعنی خون به وجود آمده باشد، بلکه خون قبلاً در نزد عقلا دارای منفعت محلل که مقصود آنان باشد نبود؛ اما اکنون این موضوع از دایره علت خارج شده و در علت دیگری وارد شده که آن عبارت است از وجود منفعت محلل و از این رو در حکم صحت و جواز معامله داخل میشود.

امام خمینی فرموده است: «طبق قوی ترین قول، استفاده از خون در غیر خوردن و همچنین خرید و فروش آن جایز است موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۸)؛

۲. بریدن اعضای بدن مرده در اسلام حرام است. امام علی (ع) می فرمایند از رسول خدا (ص) شنیدم: إياكم والمثلة ولو بالكلب العقور (نهج البلاغه نامه ۴۷)؛ از بریدن اعضای بدن مرده بپرهیزید هر چند سگ هار باشد. ان علوم انسانی بدیهی است که ملاک، تحریم بریدن اعضای بدن مرده به قصد انتقامجویی است؛ و در آن دوران برای این کار هیچ فایده ای جز پاسخ مثبت دادن به خواهش نفسانی وجود نداشته است؛ اما امروزه بریدن اعضای بدن مرده فواید زیادی دارد به طوری که مسئله پیوند اعضا برای نجات کسانی که در حال مرگ هستند؛ ضروری به شمار می آید (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)؛

۳. از باب قاعدهٔ اهم و مهم در مواردی که مصالح اهم جامعه اسلامی در اثر افزایش بی رویه جمعیت تهدید شود بر مسئولان لازم است که با دقت با موضوع برخورد کنند و برای رسیدن به امر اهم و برای اینکه مصالح اهم تأمین شود از امور مهم دست بردارند و می توان حق فرد را در برخورد با حق جامعه حذف کرد. از این رو دولت اسلامی می تواند یکسری محدودیت هایی برای نسل در نظر بگیرد.

از مجموع آنچه مطرح شد در مسیر استنباط احکام الهی علاوه بر فحص منابع و اسناد و دلالت ها،

باید به این مسئله توجه شود که چه حکمی ثابت و چه حکمی متغیر است و تأثیر عنصر زمان و مکان در احکام الهی مورد مذاقه قرار گیرد. منظور از زمان و مکان ویژگی های هر عصر و محیط است که روی موضوعات احکام اثر می گذارد یا به صورت قرینه حالیه بر مفاهیم نصوص تأثیرگذار باشد. نحوه تأثیر زمان و مکان به این نحو است: تأثیر در مصادیق احکام بدین بیان که مصادیق موضوعات احکام در طی زمان ممکن است متفاوت شود. تغییر در حکم به واسطه تغییر در ملاک حکم اگر ملاک حکم بر حسب تغییر شرایط زمانی و مکانی تغییر حکم هم تغییر خواهد کرد. تأثیر به نحو تغییر مصادیق موضوعات تأثیر به نحو تغییر اجرای احکام که میتواند از طریق تغییر روش اجرا و ترجیح برخی احکام بر برخی تأثیر در سیره معصومین مانند آنکه پیامبر از خروج گوشت قربانی پس از سه روز نهی فرمود ولی امام صادق (ع) اجازه دادند. تأثیر در سه روز نهی فرمود، ولی موضوعات و مصادیق احکام که به پنج صورت ممکن است تأثیر در حکم با تغییر درونی موضوع؛ تأثیر در حکم با تغییر بیرونی موضوع؛ پیدایش مصادیق جدید برای موضوع؛ تضییق موضوع؛ تأثیر در پیدایش موضوعات جدید به این اشاره که فقیه موضوعاتی که در اثر پیشرفت علوم و فنون ایجاد میشود را پاسخ میگوید مانند مسئله بانک و بیمه در زمان کنونی و در انتها تأثیر در متعلق احکام مانند آنکه احترام در زمان و مکان مختلف، متفاوت است.

فهرست منابع

۱. ابراهیم، محمد عبد سلام (۱۴۱۱ ق) اعلام الموقنین، جلد: بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). من لا یحضره الفقیه تهران دار لکتب الاسلامیه
- (۱۳۷۷). معانی الاخبار جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷) لسان العرب، جلد ۶، بیروت: دار صادر
- احمدوند، خلیل الله (۱۳۹۳). قلمرو نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد، پژوهشنامه فقهی سال سوم، شماره اول
- و اشرفی شاهرودی، مصطفی (۱۳۷۴). نقش زمان و مکان در اجتهاد، جلد ۱، تهران: مؤسسه امام خمینی.
- اصفهانى، ابوالحسن (۱۳۵۲). وسیله النجاة، جلد ۲، قم: نیکنام
- افندی، سید محمد امین (۱۴۱۴ ق) رساله ابن عابدین جلد ۲، بیروت: مکتبه الرقیه العربیه.
- انصاری، علیرضا (۱۳۷۴) نقش زمان و مکان در اجتهاد کنگره نقش زمان و مکان جلد ۱، تهران: مؤسسه امام خمینی
۱۰. انصاری، مرتضی (۱۴۰۴ ق). کتاب الطهاره، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۱. بحرانی، سید یوسف (۱۴۱۴ ق). الحدائق الناضره، جلد ۱۸، قم: مؤسسه النشر الاسلامی: ۶۲ و علوم انسانی و مطالعات فریجی
۱۲. الحائری، مرتضی (۱۳۶۴) ابتغاء الفضیلة فی شرح الوسیله، جلد ۱، قم: مطبعه العلمیه:
۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه، جلد ۱۰، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۴. الحرائی حسن بن علی (۱۴۲۳ ق). تحف العقول، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۵. حقانی، حسین (۱۳۷۸) شرح نهایه الحکمه جلد ، تهران: دانشگاه الزهرا
۱۶. خمینی، روح الله (۱۳۷۷). مکاسب محرمة، ج ۱، تهران: مؤسسه امام خمینی.
- ۱۷، خوبی ابو القاسم. (۱۳۶۴) مستند العروه الوثقی، قم: لطفی.
۱۸. (۱۴۱۰ ق). التنقیح فی شرح العروه الوثقی، جلد ۳، قم: لطفی: ۱۶۸
۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۶) لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. راغب اصفهانى المفردات، قم: اسماعیلیان، ذیل کلمه ربا.

۲۱. الرزقا، مصطفى (۱۴۲۰ ق). المدخل الفقهي عام، جلد ۲، بيروت: دارالشاميه.

۲۲. رضایی، محمد علی (۱۳۷۵). دیدگاه ها درباره تأثیر زمان و مکان بر اجتهاد: حضور، شماره ۱۵

۲۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). نقش زمان و مکان در استنباط فقه اهل بیت، شماره ۴۳.

۲۵۶

(۱۳۷۰). طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق

(۱۳۹۴). الإيضاحات السنية للقواعد الفقهية، جلد ۱، قم: مؤسسه الامام

الصادق.

(۱۴۲۵ ق). القواعد الفقهية و الاجتهاد والتقليد (تهذيب الأصول)، جلد

، قم: جامعه مدرسین.

۲۷. شاطبي ابو اسحاق (۱۴۰۴ ق) الموافقات الموافقات في أصول الاحكام، جلد ۴، بيروت:

دار الفكر.

۲۸. شفیعی سروسستانی ابراهیم (۱۳۷۴) نقش زمان و مکان در تعیین نوع دیه، جلد ۱۲: مؤسسه امام

خمینی، کنگره مبانی فقهی امام خمینی.